

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش  
شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۲، ویژه سیره و تاریخ اسلام

## نقش امام صادق علیه السلام در علوم طبیعی

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۱۵

تاریخ تأیید: ۹۲/۱۰/۱۰

سیدمحسن شریفی\*

**چکیده:** وجود تفکری که ائمه اطهار علیهم السلام را تنها، رهبران معنوی و یا امامان هدایت و راهنمایی می‌پندارد، با گزارش‌های تاریخی موجود و واقعیت تاریخی مطابقت نداشته و با بررسی سیره علمی ائمه به ویژه امام صادق علیه السلام می‌توان به جنبه دیگری از فعالیت‌های ایشان که در جامعه اسلامی نمود و بروز زیادی داشته دست یافت. وجود انبوه فراوانی از روایات و گزاره‌های علمی و حتی کتاب‌ها منسوب به ایشان یا شاگردانش دلالت زیادی بر مدعای ما دارد. حضور اصحاب و شاگردان کثیری از فرق و مذاهب مختلف به ویژه بزرگان اهل سنت در مکتب علمی آن حضرت، دلیلی دیگر می‌باشد. از طرفی ورود آثار ملل گوناگون در عصر و زمان امام سبب شد، تا جامعه اسلامی با چالش عظیم علمی و انبوه سوالات و شبهات روبرو گردد. همچنین با باز شدن پای علوم طبیعی در میان مسلمانان، امام صادق علیه السلام به بیان، آموزش و تدریس علوم مختلف به ویژه علوم طبیعی پرداخته و مسلمانان و دانش‌اندوزان علم را در هر نقطه و با هر گرایش و مذهب در رشته طبیعیات تربیت و به درجات علمی والا رساند. این تلاش‌های صورت گرفته را در قالب چند بخش و تحت عنوان علوم طبیعی با زیر مجموعه‌های طب، نجوم، شیمی و سایر علوم دنبال می‌کنیم.

واژه‌های کلیدی: امام صادق علیه السلام، نقش امام، علم، طبیعیات، علوم طبیعی

\* کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام و دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز

## مقدمه

این تفکر که ائمه اطهار علیهم السلام تنها رهبران معنوی و یا امامان هدایت و راهنمایی بودند، با گزارش‌های تاریخی موجود و واقعیت تاریخی مطابقت ندارد. چرا که یکی از فعالیت‌های مهم و چشمگیر ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه امام صادق علیه السلام که در این تحقیق دنبال می‌شود- در بُعد علوم و دانش‌ها بوده و این امر به وضوح در تاریخ زندگی آنها دیده می‌شود. با اینکه نقش بی‌بدیل و غیر قابل انکار امام صادق علیه السلام در عرصه‌های علمی آشکار است. اما متأسفانه این جنبه از حیات آن حضرت تقریباً همیشه و حتی در حال حاضر نیز مغفول مانده و بالطبع قابلیت شناخت زیادی دارد.

فرمایشات، خطبه‌ها، نامه‌ها، آثار و حتی کتب منسوب به امام صادق علیه السلام که میزان قابل توجهی از آنها به ما رسیده و وجود اصحاب و شاگردان ایشان امری حائز اهمیت بوده که در شناخت نقش و جایگاه امام صادق علیه السلام کمک زیادی می‌کند. از سویی وجود انبوه روایات و گزاره‌های علمی امام در منابع شیعه و اهل سنت بیانگر نقش علمی آن حضرت در زمان خویش می‌باشد، به خصوص اینکه عالمان بزرگ و امامان اهل سنت نیز خود را مفتخر به شاگردی آن حضرت می‌دانند. همچنین ورود آثار ملل مختلف در این زمان، جامعه مسلمانان را با چالش عظیم علمی مواجهه کرده بود؛ لذا امام صادق علیه السلام به بیان، آموزش و تدریس علوم مختلف به ویژه علوم طبیعی پرداخته و مسلمانان و دانش‌اندوزان علم را در هر نقطه و با هر گرایش و مذهب در رشته طبیعیات تربیت کردند و به درجات والای علمی رساندند. توجه



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني

شایان ذکر است مراد از نقش در این تحقیق جایگاه علمی، تاثیرات و دستاوردهایی است که در حیطه یک علم توسط امام پدید آمده، لذا وقتی از نقش امام در علمی یاد می‌شود، به این گونه موارد توجه می‌گردد.

همچنین مراد از علوم طبیعی دانش‌هایی است که بر اساس تجربه و با موضوع طبیعت شکل گرفته (مصاحب، دایره المعارف فارسی، ۱۶۱۹/۲) و البته شکی نیست که مراد از این علوم در قالب زمانی و عصر امام بسیار محدود بوده و باید با ملاحظات و شرایط آن روز سنجیده شود. زیرا اگر با نگاه امروزی بررسی گردد، سطحی به نظر می‌آید، حال آنکه در آن زمان چنین نبوده است.

ما در این تحقیق از میان علوم طبیعی به علومی همچون طب، نجوم، شیمی و دانش‌های دیگر از این علوم خواهیم پرداخت.

### نقش امام در علم طب

یکی از علومی که در تمام جوامع بشری مورد نیاز و مراجعه بوده و انسان‌ها همواره به آن محتاج هستند، علم طب و پزشکی می‌باشد. در جامعه اسلامی نیز این نیاز و احتیاج وجود داشته به طوری که حتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر ائمه اطهار پیش از امام صادق علیه السلام آموزه‌ها و دانستنی‌هایی در این زمینه وارد شده است. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۸۸) از همین رو امام صادق علیه السلام که دارای علم الهی بود و بر همه علوم تسلط داشت، برای رفع این نیاز جامعه اسلامی به بیان علم طب و تربیت دانشمندان و عالمان متخصص در این زمینه اقدام کرد.



قابلیت‌های طبی را نادیده نگرفته و تخصص طبیبان را انکار نمی‌کردند و بر لزوم بهره‌گیری از تخصص و آگاهی‌های آنها عنایت داشتند و حتی مواردی از حضور پزشکان مسیحی در محضر ائمه علیهم السلام گزارش شده است. (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، صص ۴۲۲ ° ۴۲۴) همچنین وقتی از امام صادق علیه السلام درباره حکم شخصی که او را طبیب یهودی و نصرانی مداوا می‌کند، پرسیده می‌شود، حضرت آن را بدون اشکال می‌داند. (قاضی نعمان، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۴۴)

از منظر امام صادق علیه السلام رجوع به پزشک آگاه و مطمئن و امین امری لازم و اجتناب ناپذیر است، چنانکه می‌فرماید: «مردمان هیچ شهری از داشتن سه گروه - که در مشکلات دنیا و آخرت بدیشان پناه برند - بی‌نیاز نیستند و در صورت نداشتن آنان فرومایه‌اند و بی‌تدبیر: فقیه دانشمند پارسا و حاکم خیرخواه فرمانروا و پزشک ماهر مطمئن». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۲۱) آن حضرت در روایت دیگری به نقل از پدرانش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «دردهای خود را مداوا کنید، که خدای متعال دردی را نفرستاده، مگر اینکه داروی آن را هم فرستاده، مگر مرگ که دوایی ندارد». (نعمان، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳؛ مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۵۹، ص ۶۵)

از این دست روایات امام صادق علیه السلام به وضوح مشخص می‌شود که ایشان اصرار داشتند، تا هیچ کس بدون آشنایی با علم طب به معالجه نپردازد و تنها در صورت اطلاع کامل از نوع بیماری حق مداوا داشته باشد، در غیر این صورت در قبال کارش مسئول می‌باشد.

از طرفی مناظره‌ها و مباحثه‌هایی از امام صادق علیه السلام با اطباء زمان خود گزارش شده، که حاکی از اطلاعات وسیع ایشان در علم طب است، که گاهی برای عصر ما نیز موجب حیرت می‌باشد، مانند مناظره امام با طبیب هندی که در دربار منصور عباسی صورت گرفته و به



می‌پرسد و امام نیز در پاسخی مفصل و کامل، تمام استخوان‌ها، عروق و ماهیچه‌های انسان را توضیح می‌دهد، که مطالب شنیدنی در آن وجود دارد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۵۶)

باید توجه داشت که اقبال دانشمندان شیعه به طب، کمتر از سایر علوم نبوده و بیش از سایر دانشمندان مسلمان به این علم عنایت داشته‌اند و براساس تجربه و آزمایش به کشفیاتی در این رشته نائل شده‌اند و از تأثیرگذارترین پزشکان در این زمینه بوده‌اند، از جمله عالمان متقدم شیعه که در این رشته تألیفاتی داشته‌اند، جابر بن حیان است که در میان نوشته‌های فراوانی که دارد، تألیفاتی در زمینه طب دیده می‌شود، از جمله: «رساله فی الطب، کتاب السموم، کتاب المجسه، کتاب النبض، کتاب التشریح فی الطب». (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۴۲۰)

در ذیل به چند مورد از گزارش‌ها و دستورات طبی امام صادق علیه السلام و آموزه‌های که در زمینه طب و پزشکی وجود دارد، اشاره می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود:

«در مسواک کردن دوازده امتیاز و فائده هست: از سنت می‌باشد، دهان را پاکیزه می‌کند، چشم را جلاء می‌دهد [و روشن می‌کند]، خداوند را راضی می‌سازد، بلغم را از میان می‌برد، حافظه را تقویت می‌کند، دندان‌ها را سفید می‌گرداند، حسنات [و پاداش‌های اخروی] را افزون می‌سازد، حفره‌ها [ی دندان] را پر می‌کند، لثه‌ها را محکم می‌گرداند، اشتها به غذا را افزون می‌سازد و فرشتگان آسمان به وسیله آن خوشحال می‌شوند». (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۴۹)

همچنین امام صادق علیه السلام برای شستن سر، شوینده‌های طبیعی را توصیه می‌کند و

می‌فرماید:





(الرساله الذهبیه)، ۱۴۰۲) گرچه درباره ارزش علمی این کتاب‌ها و مطالب آنها مباحثی وجود دارد، چنانکه ابن خلدون در این باره می‌گوید:

«طب منقول در شرعیات از این قبیل (طب تجربی بادیه) است و از وحی ناشی نشده است، بلکه از امور عادی عرب‌ها بوده و در احوال پیامبر هم به نحو عادی و عرفی واقع شده، نه اینکه به این نحو مشروع شده باشد؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبعوث شده بود، تا شرایع را به ما بیاموزد و برای بیان طب و سایر امور عادی مبعوث نشده بود». (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ص ۴۹۳)

اما بی‌شک این مباحث برای طبابت سودمند می‌باشند. شیخ صدوق هم درباره احادیث

طبی می‌گوید:

«اعتقاد ما درباره اخبار طبی به چند وجه است: برخی از آنها براساس هوای مکه و مدینه گفته شده و جایز نیست استعمال آنها در سایر شهرها، برخی از آنها چیزهایی هستند که عالم براساس شناختی که از طبع طرف مقابل داشته، گفته است و نباید از آن موضع تجاوز شود؛ زیرا که امام مقتضای طبع او را بهتر از او می‌دانسته است. برخی از آنها را مخالفان برای زشت جلوه دادن مذهب ما نزد مردم در کتاب‌های ما وارد کرده‌اند، در نقل برخی از آنان از ناقلان سهو واقع شده است، برخی از روایات به طور کامل حفظ نشده‌اند، بلکه ناقص هستند». (صدوق، اعتقادات الإمامیه، ۱۴۱۴، ص ۱۱۵)

در مجموع بیان آموزه‌ها و دستورات طبی و تدریس علوم طب در مکتب امام صادق علیه السلام رواج داشته و آن حضرت با تربیت شاگردان سرآمدی در این رشته، نقش زیادی در پیشرفت علوم طب و پزشکی در تمدن اسلامی داشته است.



پښتو ښکلا څانګه علوم انساني او مطالعاتو فرعي  
پرتال جامع علوم انساني

دقیقه است، عرض کردم: نه به خدا سوگند، تا به حال از هیچ یک از منجمان نشنیده‌ام. فرمود: آیا می‌دانی فاصله میان سنبله و لوح محفوظ چند دقیقه است، عرض کردم: نه به خدا تاکنون از هیچ منجمی نشنیده‌ام. فرمود: میان هر یک از اینها شصت یا هفتاد دقیقه است، (تردید از عبدالرحمن راوی حدیث است). سپس فرمود: ای عبدالرحمن این حسابی است که اگر کسی آن را حساب کند و به حقیقتش پی ببرد، یک دانه نی را که در میان نیستان باشد و شماره نی‌هایی را که در سمت راست و چپ آن است و شماره آنچه پشت سر آن نی و جلوی آن قرار دارد، همه را می‌فهمد، بدان جا که حتی یک دانه از نی‌های آن نیزار، بر او پوشیده نماند». (همان)

در روایت دیگری ابن ابی عمیر نقل می‌کند، در حضور امام صادق علیه السلام از علم نجوم سخن به میان آمده و امام فرمود: «نجوم را نمی‌داند، مگر خاندانی در هند و خاندانی در عرب». (همان، ص ۳۳۱)

برخی معتقدند نظریه نور و انعکاس آن از اجسام که باعث دیدن آنها می‌شود، متعلق به امام صادق علیه السلام بوده و نظرات ایشان بعدها سبب زمینه‌سازی برای ارائه این نظریه توسط دانشمندان غربی شده است. (ر.ک: الامام جعفر الصادق فی نظر علماء الغرب، ۱۹۹۵، ص ۲۶۹)

این علوم و آگاهی‌های امام از دانش نجوم به حدی دقیق و کامل بود که گاه موجب حیرت دانشمندان علوم نجوم می‌گردید و به برتری علم و دانش آن حضرت اعتراف می‌کردند. چنانکه ابان بن تغلب نقل می‌کند: «در محضر امام صادق علیه السلام بودیم، که مردی یمنی به حضور ایشان رسیده و امام ضمن گفتگو از او پرسید که کارش چیست و او گفت، که من از خاندانی معروف هستم که کارشان نجوم است و در یمن کسی از ما در نجوم، داناتر نیست. پس امام از



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علوم انسانی

پیامبران می‌داند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام اعلم الناس به این علم بوده است. (همان، ص ۲۳۵؛ عطاردی، ۱۳۸۴، ج ۲۱، ص ۳۵۵)

در همین راستا امام صادق علیه السلام درباره علم نجوم به هشام خفاف فرمود:

«اصل محاسبات نجومی و دانش نجوم حق است، جز این که مردم از آن بهره چندانی ندارند؛ اما افرادی که دستی در وحی و الهام دارند و ویژگی‌های مواد و استعداد و قابلیت افراد را می‌شناسند این علم را دارا هستند». (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۵۵، ص ۲۴۳)

وقتی همین هشام که از دانشمندان بوده و از عراق - ظاهراً از شهر واسط<sup>۵</sup> بر امام صادق علیه السلام وارد شد و با امام در زمینه نجوم به گفتگو پرداخت، امام نظراتی پیرامون نور، مقدار شعاع، حرکت نور، گردش افلاک بیان کرد (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۳۵۱) که امروزه برخی از آنها به اثبات رسیده و برخی دیگر همچنان در پرده ابهام باقی است.

همین توجه امام صادق علیه السلام به علم نجوم سبب شد، تا دانشمندان شیعه نیز به این دانش متمایل گشته و بدان بپردازند. از این رو نخستین و مهم‌ترین منجمان و دانشمندان علم نجوم، در قرن دوم هجری از میان شیعیان برخاسته که از میان آنها می‌توان به افرادی همچون ابراهیم بن حبیب فزاری، محمد بن ابراهیم، جابر بن حیان، و نوبختیان اشاره کرد. درباره ابراهیم بن حبیب فزاری که از جمله این افراد می‌باشد، گفته شده:

«وی اول کسی است که در اسلام اسطرلاب ساخت و او را کتابی است، در تسطیح کره، و به علم هیأت فلک و ما يتعلق به بسیار مایل بودی و قصیده در علم نجوم و کتاب مقیاس زوال و



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني

ساکن می‌دانست، بر آن پاسخی نداشت. (الامام جعفر الصادق فی نظر علماء الغرب، ۱۹۹۵، ص ۸۵)

می‌دانیم که خورشید مرکز منظومه شمسی است و با آن همه بزرگی و عظمت همواره در حال حرکت با سرعت مهیبی است و در هر ثانیه ۱۹/۵ کیلومتر راه می‌پیماید. امام صادق علیه السلام نخستین کسی است که به طور صریح، درباره حرکت سریع خورشید سخن گفته است. «و من می‌دانم که در هر لحظه، حرکت خورشید چقدر است و چه مسافتی طی می‌کند». (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۱۹؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۵۳)

امام صادق علیه السلام هزار و صد سال پیش از ویلیام هرشل، و هزار و سیصد سال پیش از فضاپیمای ویجر که به آنجا رفته و عکس‌برداری کرده، از اورانوس تعریف می‌کند و در گفتگوی با یک منجم، یکی از سوالاتی که پرسید، این بود: «آیا تو می‌دانی که چه قدر فاصله بین خورشید و ستاره سکینه است. آن مرد گفت، از این ستاره هرگز خبر ندارم و نام و تعریف آن را از کسی نشنیده‌ام. امام در جواب فرمودند: پناه می‌برم به خدا؛ شما چگونه یک ستاره مهمی را ندیده گرفته و آن را از حساب انداخته‌اید». (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۵۵، ص ۲۴۱) امروز اورانوس در منظومه شمسی جایگاه ویژه دارد و برای دانش و محاسبات اخترشناسی اهمیت دارد و همان گونه که آن حضرت فرمود، علم نجوم تنها ستاره دیدن نیست و تمام این سه مرحله یعنی نور و ستاره و فضای آسمان، شرط اخترشناسی است. همچنین امام صادق علیه السلام در برخی از سخنان خود با منجمین به درجات نور اشاره کرد و به بررسی تفاوت درجات نور اختران و سیارات پرداخت. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۳۵۱؛ مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۵۸، ص ۲۴۳)

برخی از نظرات امام صادق علیه السلام در نجوم و بیان اختلاف در نجوم که کدام یک از ستارگان در





پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته  
پرتال جامع علوم انساني

پیش، هنوز در شیمی و صنایع شیمیایی امروز معتبر است. از جمله روش‌های تصفیه فلزات، رنگ کردن لباس و چرم، ضد آب کردن لباس از طریق نوعی روغن جلا و جلوگیری از زنگ زدن آهن است. (متز، ۱۳۶۴، ص ۱۰۵؛ نصر، ۱۳۸۴، ص ۴۴)

این علم ابتدا از محضر پیشوای ششم نشأت گرفته و بعداً در سایر مناطق رشد و توسعه یافت. از آنجا که امام صادق علیه السلام هر دانشی را به اهل آن می‌آموخت و شایستگی و استعداد افراد را معیار تعلیم علوم قرار می‌داد، علم شیمی را به شاگرد شایسته و ممتاز خود، جابر بن حیان کوفی آموخت. او در این علم مهارت یافت و به پدر شیمی مرسوم گردید، جابر بن حیان چنان در این عرصه درخشید و تعالیم صادق آل محمد علیهم السلام را به دنیا عرضه کرد که پیشرفت علوم و تکنولوژی جهان غرب امروزه مدیون اندیشه‌های اوست.

قفطی در این مورد می‌نویسد:

«جابر بن حیان کوفی در علوم طبیعی به ویژه در صنعت شیمی، کمال مهارت را داشت. او در این زمینه، تألیفات متعددی دارد و ۲۲ رساله عربی از وی به یادگار مانده است. جابر علاوه بر علم شیمی، در علوم فلسفی و عرفانی و علم هیئت و ریاضیات نیز اطلاعات وسیعی داشته است.» (قفطی، ۱۳۷۱، ص ۲۲۱)

جرجی زیدان نیز معتقد است:

«جابر بن حیان از تربیت یافتگان ممتاز مکتب امام جعفر صادق علیه السلام است. آنچه مایه شگفتی است، اینکه اروپائیان در شناخت و نشر اندیشه‌های وی بیشتر از مسلمانان و جهان عرب کوشیده‌اند و در موضوع جابر بن حیان کتابهای متعددی منتشر ساخته‌اند؛ چرا که می‌گویند: او



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني

ابن خلکان درباره جابر بن حیان نیز چنین می‌نویسد:

«من پانصد علم از امام صادق گرفتم و هزار ورق در آن فنون نگاشتم». (همان)

بی‌شک جابر بن حیان از شاگردان امام صادق علیه السلام بزرگترین حجت در شیمی که در قرن اول هجری مورد توجه مسلمانان قرار گرفت به شمار می‌رود و به قول دکتر گوستاولوبون نوشته‌های او مانند یک دایرةالمعارف علمی مشتمل بر مجموع مسائل شیمیایی است. (گوستاولوبون، ۱۳۵۸، صص ۶۱۱-۶۱۳) به طور کلی هنگامی که فرآورده‌های شیمیایی توسط شیمیدانان مسلمان در صنایع شیمیایی ممالک اسلامی و سپس برای صادرات به اروپا تولید شد و یا در صنایع ریسندگی و بافندگی در دنیا مورد استفاده قرار گرفت، قدم اول برای ایجاد شیمی جدید برداشته شد. (برنال، ۱۳۸۰، ص ۳۵۹)

جابر که شاگرد امام صادق علیه السلام بود و علم خود را منتسب به آن حضرت می‌دانست، در موارد متعددی از امام صادق علیه السلام به عنوان استاد خود نامی می‌برد و مطالب را از آن حضرت نقل می‌کرد. (رسائل جابر بن حیان، ۱۴۲۷، ص ۵۷۱) تحقیق در جزوه‌ها و رساله‌هایی که کراوس خاورشناس انتشار داده روشن می‌سازد که جابر از شیعیان امام صادق علیه السلام بوده و او را امام مفترض الطاعه برای خود می‌شناخته و علاوه بر شیمی، دانش‌های دیگر را نیز از امام فرا گرفته است. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۲، ج ۱۸، ص ۱۱۴)

جابر بن حیان پیوسته و به طور مستمر به امام صادق علیه السلام با الفاظ سیّدی (سرور و سالارم) اشاره می‌نموده است و به حقّ او قسم یاد می‌کرده است، و او را برای خویشتن مصدر الهام به حساب می‌آورده است. او در مقدمه کتاب الاخبّار گفته است: «و سوگند به حقّ سیّد و سرورم!



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته  
پرتال جامع علوم انساني

هجری برای علما و دانشمندان آن عصر مشهور و ساخته شده بود و حتی کتاب‌های جابر در دست آنها بوده و مورد توجه بودند. افرادی مانند حسین بن بسطام و عبدالله بن بسطام که عصر کلینی زیست می‌کردند، و از طریق جابر روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند. (طب الاثمه، ۱۴۲۷، ص ۳۱۵)

همچنین دانشمند مشهور جهان اسلام محمد بن زکریای رازی از جابر در کتاب‌هایش مطالبی نقل کرده است. (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۴۲۱) حتی برخی از دانشمندان به خاطر اهمیت کارهای جابر بر کتاب‌های او شرح نوشته‌اند مانند شلمقانی (همان، ص ۴۲۵) و ابوقران (همان، ص ۴۲۴) که هر دو بر کتاب رحمه جابر شرحی نگاشته‌اند. ابن ندیم خود نیز بر وجود شخصیت تاریخی جابر اصرار دارد و سخن منکران را قابل پذیرش نمی‌داند. (همان، ص ۴۲۰)

جابر در غرب همان گونه معروف است که در شرق و آثار او مورد توجه همه شیمی‌دان‌های شرق و غرب است. دکتر ماکس میر هوف می‌گوید هنوز حدود صد کتاب شیمی از جابر در دست است و نفوذ کتب او در تاریخ شیمی اروپا آشکار است. (سجادی، ۱۳۶۰، ص ۳۳)

در مجموع تشیع جابر و شاگردی او در محضر حضرت صادق علیه السلام و پیشرو بودن او در بسیاری از علوم به ویژه شیمی، طب، فلسفه، کلام و طبیعی از واضحات و بدیهیات است و بدون تردید نظرات او پایه‌های اساسی دانش شیمی است. برای آشنایی بیشتر درباره آراء و اندیشه‌های امام صادق علیه السلام در علم شیمی می‌توان به کتاب «الامام الصادق ملهم الکیمیا» از محمد یحیی هاشمی مراجعه کرد.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علومو انسانی

امام جعفر صادق علیه السلام درباره علم زمین شناسی نیز نکته‌های ظریفی دارد. آن حضرت در پاسخ فردی که بر وجود خداوند متعال برهان قاطع و دلیل روشنی می‌خواست، از هر زمینه‌ای دلیل آورد، از جمله به حرکت کره زمین اشاره کرد و فرمود حرکت زمین و آنچه که در روی کره زمین است. (طبرسی، ج ۲، ص ۳۳۸) همچنین امام در توحید مفضل در مورد حرکت وضعی و انتقالی زمین سخن می‌گوید و به کروی بودن آن نیز اشاره دارد. آن حضرت همچنین به مفضل بن عمر فرمود: «در آفرینش زمین و در شکل و هیئت آن دقت کن! زمین برای زندگی بشر چنان آرام است که گویی هیچ حرکتی ندارد و ساکن و آرام است. مردم می‌توانند بر روی آن در رفع نیازهایشان بکوشند، آرام بشینند و به راحتی بخوانند. اگر زمین برای مردم لرزان و ناآرام بود، مردم قادر به ساخت بنا و انجام کارهای روزمره خود نبودند و اگر زمین برای آنان لرزشی داشت، زندگی در کامشان تلخ می‌شد و یکی از مهم‌ترین حکمت‌های زمین لرزه‌ها هشدار به مردم است که از گناه و فساد اجتناب کنند و ناتوانی خود را در مقابل آفریدگار احساس کنند». (توحید مفضل، بی‌تا، ص ۱۸۰)

در برخی از کتب نیز از علم امام صادق علیه السلام به هندسه گفته شده، چنانکه نوشته‌اند، حدیث شریفی در کافی (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۵۸) است که امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود که فالانی، اشیاء همه به هندسه آفریده شده‌اند. و او مثل اینکه لفظ هندسه را نشنیده بود و نمی‌دانسته چیست، گفت هندسه یعنی چه، امام فرمود هندسه؛ یعنی مقدار و اندازه... چون لفظ هندسه اصلش اندازه و اندازه است». (بدیعی، ۱۳۸۰، صص ۳۳-۱۷۴-۱۷۶)

نظر امام صادق علیه السلام در سوزاندگی اکسیژن هوا نیز اهمیت زیادی دارد. بنابر گزارشی، آن حضرت در محضر درس خود گفت: هوا دارای چند جزء است و یکی از اجزای هوا در بعضی از





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

علمی امام صادق علیه السلام نیازمند مباحث دیگری نیز می‌باشد که باید در همین راستا دنبال شود. اما بی‌شک بر هر فرد منصفی پوشیده نیست که در عصر امام که هنوز علوم شکل کامل خود را نیافته بودند، تاثیرات مکتب علمی آن حضرت مبدا برکات علمی زیادی گردید و راه گسترش مرزهای دانش در حیطه علوم طبیعی بدین صورت باز شد.

### فهرست منابع

- . ابن خلدون، (۱۴۰۸)، مقدمه، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- . ابن خلکان، (بی‌تا)، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، لبنان، دارالثقافه.
- . ابن شهر آشوب، (۱۳۷۹)، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسه‌العلامه للنتشر.
- . ابن ندیم البغدادی، (بی‌تا)، فهرست ابن الندیم، تحقیق رضا تجدد، بی‌جا، بی‌نا.
- . ابنا بسطام الزیات، عبدالله و حسین، (۱۴۱۱)، طب الاثمه، قم، انتشارات رضی.
- . الامام جعفر الصادق فی نظر علماء الغرب، (۱۹۹۵)، ترجمه به عربی نورالدین آل علی، دمشق، دارالفاضل.
- . امینی، محمد امین، (۱۴۲۳)، الامام جعفر الصادق رمز الحضاره الاسلامیه، ناشر مولف.
- . بدیعی، محمد، (۱۳۸۰)، گفت و گو با علامه حسن حسن زاده آملی، قم، تشیع.
- . برنال، جان، (۱۳۸۰)، تاریخ علم، تهران، امیر کبیر.
- . تمیمی آمدی، (۱۴۱۰)، غرر الحکم، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- . توحید مفضل، (بی‌تا)، منسوب به امام صادق علیه السلام، قم، داورى.
- . الجندی، عبدالحلیم، (۱۳۹۷)، امام جعفر الصادق علیه السلام، قاهره، مطبعه الاهرام التجاریه.
- . حرانی، ابن شعبه، (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول ص، قم، جامعه مدرسین.
- . حسن زاده آملی، علامه حسن، (۱۳۷۲)، هزار و یک نکته، تهران، رجاء.
- . حسینی قمی، علی، (۱۳۸۲)، مناظرات علمی بین شیعه و سنی، تهران، نصر.
- . حسینی طهرانی، سید محمد حسین، (۱۴۲۲)، امام‌شناسی، مشهد مقدس، علامه طباطبائی.
- . خویی، ابوالقاسم، (۱۴۲۰)، معجم رجال الحدیث، قم، مرکز نشر آثار شیعه.
- . دوران، ویل، (۱۳۶۸)، تاریخ تمدن، (عصر ایمان) ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انساني